

عکاسی مستند اجتماعی و قوم‌نگاری

از بیان واقعیت تا سفیر فرهنگی برای جذب گردشگر

علیرضا رحیمی^۱

◆ عکاسی مستند اجتماعی به مثابه بیان واقعیت

الفبای تصویر در همهٔ جهان یکسان درک می‌شود به همین خاطر زبان عکس یک زبان بین‌المللی است که درک آن برای همهٔ مردم جهان با هر فرهنگ و زبانی میسر است. در کتاب «عکاسی مستند» اثر علی اکبر شیرزبان، در تعریف عکاسی مستند این‌گونه آورده شده است: «عکاسی مستند ثبت تصویری زندگی مردم در محیط طبیعی آنان است که هدف آن علاوه بر تولید فکر، حرکت و اتصال اندیشه‌ها، بالا بردن آگاهی مردم نسبت به خود و محیط پیرامونشان است. عکاسی مستند اجتماعی شاخه‌ای از عکاسی است که به رابطه «انسان با انسان»، رابطه «انسان با خودش» و رابطه «انسان با محیط» می‌پردازد. در واقع در عکاسی مستند اجتماعی، به مردم و اثرات آنان بر روی یکدیگر و عمق ارتباط آنان با واقعیت پرداخته می‌شود و نباید تنها به ظاهر و سطح آن بسنده کرد».

عکاسی مستند اجتماعی از ابتدای پیدایش، هدف خود را بیان «واقعیت» معرفی کرده است. اوج این نوع از عکاسی را باید در جریان خشک‌سالی طولانی آمریکا در سالهای دهه ۱۹۳۰ جستجو کرد که بر اثر پیامدهای خشک‌سالی، مزارع کشاورزی نابود شد و کشاورزان به ناچار دست به مهاجرتی دسته جمعی به سوی شهرها زدند. در آن جریان، گروهی از عکاسان مأموریت پیدا کردند در سراسر آمریکا از هرچه در ارتباط با وضعیت زندگی کشاورزان برایشان جالب است عکس بگیرند. عکس‌هایی که این گروه تهیه کردند، زندگی سخت کشاورزان را به خوبی نشان می‌داد. عکس‌هایی تکان‌دهنده که دولت را از عمق فاجعه آگاه کرد و نتیجه این شد که کنگره آمریکا قوانینی را برای حمایت از کشاورزان وضع کرد که منجر به توقف مهاجرت آنان به شهرها شد. در آن جریان، عکاسی مستند اجتماعی نشان داد که تا چه میزان می‌تواند در تغییر وضع موجود و ایجاد اصلاحات اجتماعی تاثیرگذار باشد.

به طور کلی می‌توان گفت که بیان واقعیت زنده و انتقال ایده، فکر و احساس از اصول مستندنگاری محسوب می‌شود. پر واضح است که عکاسی مستند که تفسیری از واقعه‌ها را به نمایش می‌گذارد با فتوژورنالیسم (عکاسی خبری) که واقعه‌ها را گزارش می‌کند متفاوت است. یک عکاس مستند باید تصویری از زندگی مردم را ارائه کند که نشان‌دهنده واقعیت زندگی آنان باشد و حقیقت

۱ - رئیس روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان امور عشایر ایران، عضو انجمن عکاسان میراث فرهنگی

بیشتری از موضوع را بازگو کند. عکاس مستند اجتماعی کسی است که با بهره‌گیری از زبان تصویر نسبت به مسائل انسانی و اجتماعی واکنش نشان می‌دهد و علاوه بر پردازش و ثبت اسنادی و استنادی از زندگی اجتماعی مردم، سعی بر آگاهی بخشی دارد و با نشان دادن واقعیت‌های جامعه به تغییر و بهترشدن شرایط موجود کمک می‌کند. بنابراین عکاس مستند اجتماعی دارای رسالت و تعهد است و انسانی آگاه است که نسبت به واقعیت‌های موجود در جامعه حساس است. به عبارتی عکاس مستند اجتماعی، به مثابه مسافری است که میان جهان درون و جهان بیرون (واقعیه‌ها) در رفت و آمد است و به تعادل این دو می‌اندیشد، از این رو وظیفه و مسئولیت عکاس مستندنگار در مقایسه با عکاس خبری دو چندان است؛ اول «در واقع بودن» و دوم «از واقع به واقعیت رسیدن» و از واقعیت واقعیه‌ها گفتن است. به همین دلیل است که عکاسی مستند برای خود مسئولیت اجتماعی قائل است و در میان انواع مختلف عکاسی در جهان، با نام «عکاسی متعهد» شناخته می‌شود و دخالت در تحولات فردی و اجتماعی به نفع حقیقت را از وظایف خود قلمداد می‌کند.

◆ عکاسی مستند اجتماعی به مثابه سفیر فرهنگی برای جذب گردشگر

در ربع قرن اخیر، به مدد رشد چشم‌گیر تکنولوژی‌های ارتباطی و شبکه‌های مجازی، تصاویر زیادی از مردم در سراسر دنیا انتشار پیدا کرده که ما بر اساس همین تصاویر، زندگی مردم و اینکه چه کسانی هستند و چگونه زندگی می‌کنند را تفسیر و تحلیل می‌کنیم و به کمک تخیل خود به شناخت نسبی از افراد حاضر در تصویر و برخی از خصوصیات زندگی، آداب و رسوم، فرهنگ، پوشاک و ... آنان می‌رسیم.

از سویی، امروزه موقعیت گردشگری یک کشور تا حدود زیادی با استفاده از تبلیغات و انتشار تصاویری از محیط طبیعی، آثار معماری، باستانی و فرهنگی آن کشور معرفی می‌شود که از این منظر می‌توان گفت عکس‌ها به مثابه سفیر فرهنگی یک کشور برای جذب گردشگر عمل می‌کنند. ایران نیز دارای جاذبه‌های فراوان گردشگری و منابع ارزشمند تاریخی، معماری و فرهنگی ملموس و ناملموس است، یکی از این منابع ارزشمند، شیوه زندگی ایلات و عشایر است. بکر و دست‌نخورده بودن این نوع از زندگی پتانسیل و جذابیت این را دارد که گردشگران زیادی را از کشورهای مختلف جهان راهی ایران کند. عکاسی مستند قوم‌نگاری با ثبت و انتشار تصاویری از زندگی ایلات و عشایر می‌تواند نقش تاثیرگذاری در این خصوص ایفا نماید.

نگارنده معتقد است، اگر چه هر کشوری برای جذب گردشگر، نیازمند تولید تصاویری از جاذبه‌های قومی، باستانی، معماری، طبیعی و فرهنگی خود است؛ اما متأسفانه این موضوع نوعی عکاسی کارت پستالی و توریستی را در عکاسی مستند اجتماعی رواج داده که با نگاه مردم‌شناسانه کاملاً متفاوت است. از این رو مسئولیت، تعهد و خلاقیت عکاسان مستند ایجاب می‌کند علاوه بر معرفی تصویری پتانسیل‌های فرهنگی کشور خود برای جذب گردشگر، به مقولات فرهنگی با زاویه دید وسیع‌تر و بالاتری نگاه کنند تا روح نهفته در فرهنگ و آیین‌های فرهنگی برای نسل‌های بعد محفوظ بماند.

◆ نگاهی به عکاسی قوم‌نگاری در ایران

یکی از رویکردهای رایج در عکاسی مستند در ایران، عکاسی قوم‌نگاری یا مردم‌نگاری است. عکاسی قوم‌نگاری، یک زبان تصویری برای تفسیر و تحلیل جنبه‌های مختلف زندگی گروه‌های انسانی است که ویژگی‌های اقلیمی، زیستی، معیشتی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی، مذهبی، آیینی، اعتقادی، هنری و سایر شؤون زندگی آنان را در نظر دارد. این ژانر از عکاسی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به‌ویژه پس از پایان جنگ هشت‌ساله رواج بیشتری پیدا کرد، هنوز یکی از ارکان مهم عکاسی مستند در ایران قلمداد می‌شود. عشایر کوچنده در مناطق کوهستانی، دامنه کوه‌ها و دشت‌ها روزگار می‌گذرانند و نوع زندگی آنان اصیل و بکر است و آمیختگی و هم‌نشینی زندگی آنان با طبیعت، کادرهای بصری زیبایی را برای عکاسی به وجود می‌آورد که باعث شده عکاسی قوم‌نگاری یکی از پرطرفدارترین شاخه‌های عکاسی برای عده زیادی از عکاسان باشد و علاوه بر فعالیت عکاسان با تجربه در این عرصه، بسیاری از عکاسان جوان نیز تلاش می‌کنند روند فعالیت حرفه‌ای خود را با این گونه از عکاسی آغاز و سپری کنند.

عکاسی قوم‌نگاری زندگی زنان و مردانی از اقوام و خرده‌فرهنگ‌ها را ثبت و ضبط می‌کند که تحت تأثیر تغییرات فرهنگی و اجتماعی، آرام آرام در حال از بین رفتن است. در قوم‌نگاری هر چیزی که در محیط وجود دارد می‌تواند سوژه و موضوع عکاسی باشد؛ چشم‌اندازها، مسکن، آداب و رسوم، آئین‌های مذهبی، بازی‌های بومی، غذاهای محلی، پوشاک، زیورآلات سنتی، صنایع دستی، کوچ، تولیدات لبنی، شیوه دامداری، فرم و رنگ عناصر موجود در محیط و خصوصیات ظاهری افراد و ... که هر کدام می‌توانند معرف ویژگی‌ها و خصوصیات از اقوام مختلف باشد.

◆ پیشینه قوم‌نگاری در ایران

در خصوص پیشینه عکاسی قوم‌نگاری در ایران ابتدا باید به زمانی که دوربین عکاسی، در دوره ناصرالدین شاه قاجار، به ایران آورده شد اشاره کرد. تصاویر زیادی از زندگی عشایر و کوچ آنان در این دوره ثبت و ضبط شده است که نشان می‌دهد از همان زمان، ایلات و عشایر یکی از موضوعات جذاب برای عکاسی محسوب می‌شدند. در دوره پهلوی اول نیز رد پای عکاسی از فضاهای عشایری در سفرنامه‌هایی که عموماً سیاحان و جهانگردان می‌نوشتند دیده می‌شود. در دوره پهلوی دوم پژوهشگرانی مانند مرحوم «نادر افشار نادری» با نگاه مردم‌شناسانه عکس‌ها و فیلم‌های زیادی از ایلات و عشایر تهیه کرده‌اند. مرحوم «کاوه گلستان» نیز که با مرحوم «محمد بهمن‌بیگی» (بنیانگذار آموزش عشایری) دوستی خانوادگی داشت با شرایطی که بهمن‌بیگی برای وی فراهم کرد توانست از فضاهای عشایری عکاسی کند. «فرهاد ورهرام»، مستندساز سرشناس کشور نیز در این زمینه به خصوص از عشایر بختیاری تصاویر در خور توجه‌ای تهیه کرده است. اما اوج فعالیت‌های عکاسی قوم‌نگاری در ایران، به دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر می‌گردد. در این دوران «نصرالله کسرائیان» با توجه به تخصصی که در علوم اجتماعی داشت، آگاهانه به این موضوع پرداخت و مجموعه ارزشمندی از تصاویر ایلات و عشایر را ثبت و کتاب‌های متعددی از جمله کتاب «عشایر ایران» را که حاوی تصاویری ماندگار از اقوام کوچنده ایران است، انتشار داده است. بعد از وی باید به «محمد رضا بهارناز» اشاره کرد که سال‌ها با همکاری سازمان امور عشایر ایران و همچنین بصورت شخصی، مجموعه تصاویری ارزشمند از زندگی ایلات و عشایر

ایران ثبت و در چندین کتاب انتشار داده است. از عکاسان دیگری که در این زمینه کار کرده «حسن غفاری» است که خود از فرزندان عشایر و از دانش آموختگان رشته عکاسی است و نزدیک به دو دهه است که در گرایش عکاسی مستند به‌ویژه عکاسی از ایلات و عشایر فعالیت می‌کند. از عکاسان بومی‌ای که در ارتباط با این موضوع کار کرده‌اند نیز می‌توان به «محمود میربزرگ» در استان سیستان و بلوچستان و «احسان آقایی» در استان کهگیلویه و بویراحمد اشاره کرد. عکاسان دیگری نیز به صورت پراکنده در این حوزه کار کرده‌اند که عمدتاً آثاری از آنان را در جشنواره‌های عکس و کتاب‌هایی که در این جشنواره‌ها به چاپ رسیده می‌بینیم.

نگارنده نیز نزدیک به دو دهه است که در زمینه ثبت تصویری زندگی اقوام و ایلات و عشایر ایران فعالیت می‌کند و با برگزاری نمایشگاه انفرادی «عشایر، نسل امروز نسل فردا» در سال ۹۳ در خانه عکاسان ایران، و همچنین مشارکت و حضور در جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های متعدد عکس از جمله جشنواره عکس رشد (کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان)، جشنواره خیام، جشنواره عکس میراث ناملموس و ... تلاش نموده تا سهم کوچکی را در عرصه عکاسی مستند قوم‌نگاری و ثبت و معرفی زندگی ایلات و عشایر ایران ایفا نماید.

◆ سخن آخر

در پایان باید به این نکته نیز اشاره کرد که با توجه به نقش مهمی که عکاسی قوم‌نگاری در ثبت میراث فرهنگی و معنوی کشور و جذب گردشگر دارد، اما تاکنون فعالیت‌های صورت گرفته در این خصوص نتوانسته تصویری کامل و منسجم که مبنای محکمی برای مطالعات جامعه‌شناختی زندگی عشایر ایران باشد از خود به جای گذارد و متأسفانه کمترین سهم در انتشارات تصویری، مربوط به موضوع عشایر است. گستردگی اقوام و پراکندگی محیط زندگی آنان، سختی رفت و آمد به مناطق سخت‌گذر عشایری، کمبود امکانات و خدمات، عدم آشنایی عکاسان با فرهنگ و آداب و رسوم عشایر، عدم حمایت‌های دولتی و خصوصی را می‌توان به عنوان عوامل بازدارنده‌ای برشمرد که باعث شده اغلب عکاسان به صورت گذری از فضاها و عشایری عکس‌های عمدتاً کارت‌پستالی‌ای را بگیرند که این عکس‌ها بازتاب زندگی واقعی آنان نیست. هر چند در دهه‌های گذشته سازمان امور عشایر ایران به سهم خود حمایت‌هایی از عکاسان این عرصه داشته است، اما از آنجا که این ژانر از عکاسی پرهزینه و گران است و تأمین هزینه‌های آن به صورت شخصی دشوار و گاه غیرممکن است، ضروری است حمایت‌های گسترده‌تری از سوی بخش‌های دولتی و خصوصی به‌ویژه ارگان‌های فرهنگی از عکاسان این حوزه صورت گیرد تا از این طریق هم ارزش‌های قومی، تاریخی و فرهنگی کشور ثبت و به نسل‌های آینده انتقال یابد و هم عکاسان نسل جدید و جوان بتوانند با بهره‌گیری از دانش و تجربه عکاسان نسل‌های گذشته، وارد عرصه شده تا نگاه و نفسی تازه به عکاسی قوم‌نگاری در ایران و ثبت تصویری زندگی ایلات و عشایر دمیده شود.

◆ منابع و مأخذ:

- ◀ شیرزیان، علی اکبر. عکاسی مستند: آموزش، تحلیل و نقد عکاسی مستند ایران و جهان، نشر شورآفرین، تهران ۱۳۹۲.
- ◀ غفاری، حسن. نشریه عکاسی خلاق، گفتگوی افشین شاهرودی، سردبیر نشریه با حسن غفاری پیرامون عکاسی مستند و عکاسی از ایلات و عشایر ایران، سال نهم، شماره ۳۰، زمستان ۱۳۹۳.